ذوالفقاری

حس عجیبی دارد، لبخند شوق بر لبانش نقش بسته و انگار همان کودک هفت ساله ۴۰ سال قبل است، کودکی که قرار بود برای اولین بار در کلاس حاضر شود، دختر بچه ای که آخرین فرزند خانواده و تنها دختری بود که خانواده اش رضایت داشتند به مدرسه برود. وقتی از او می خواهم از روزهای اول مدرسه بگوید اشک بر گونه هایش جاری و غرق خاطرات آن روزها می شود، از روزهایی می گوید که نگران این بود نکند او هم مانند دیگر خواهرانش بی سواد بماند و در نهایت راهی خانه بخت شود، فرزندانش مادری بی سواد داشته باشند و نتواند در درس خواندن به آن ها کمک کند و راهنمای خوبی برایشان باشد. از آن زمان ها که برای رفتن به مدرسه عشق و اراده داشت و فقط رضایت خانواده اش کافی بود تا لذت درس خواندن را بچشد و به آرزوهایش برسد، از سختی هایی برایمان می گوید که خواهرهایش به دلیل بی سوادی کشیدند و از حمایت برادر بزرگ ترش که در واقع در خانواده شان اولین گام را برای سوادآموزی برداشت. نفس عمیقی می کشد و به صحبت هایش ادامه می دهد، «مهناز.ب» خانمی ۴۷ ساله که در واپسین روزهای حکومت ستم شاهی وارد کلاس اول دبستان شد و تنها دختر خانواده اش بود که توانست درس بخواند، از خاطرات روزهای اول مدرسه می گوید: در یکی از روستاهای زهک زندگی می کردیم، آن زمان تعداد مدرسه ها کم و فاصله میان آن زیاد بود، به ندرت خانواده ها اجازه می دادند که دخترهایشان سواد بیاموزند، مگر این که می توانستند به مکتب بروند و قرآن و دروس دینی را فرا بگیرند که به دلیل بی سوادی آموختن آن سخت بود. البته کسانی بودند که در اطراف ما دخترهایشان اجازه درس خواندن داشتند و وقتی در میان دیگر دخترهای روستا جمع می شدند فخر فروشی می کردند. خواهرهای بزرگ ترم که دو نفرشان ازدواج کرده بودند از شرایطشان رضایت نداشتند و همیشه مرا تشویق به درس خواندن می کردند و اصرار داشتند اشتباه آن ها را تکرار نکنم تا بتوانم با داشتن سواد برای زندگی آینده ام بهتر تصمیم بگیرم. برادر بزرگ ترم که البته تنها پسر خانواده بود برای درس خواندن بسیار مصمم و مشوق اصلی ام در این راه بود، از طرفی با خاطراتی که دخترهای همسایه از مدرسه تعریف می کردند علاقه و ارادهام برای رفتن به مدرسه روز به روز بیشتر می شد. وی ادامه می دهد: بالاخره خانواده ام رضایت دادند که به مدرسه بروم و شرطشان این بود که برادرم همراهم باشد، خوشبختانه او هم پشتیبان خوبی برایم بود و نه تنها در راه مدرسه، همراهیم می کرد بلکه در درس هایم راهنمای خوبی بود. او شب ها درس می خواند و روزها بعد از مدرسه کار می کرد و البته مزد زحمت هایش را گرفت و توانست مهندس پتروشیمی شود هر چند عمرش کوتاه بود. وی اضافه می کند: معلم کلاس اولمان خانم بودو نحوه پوشش نشان می داد که بومی استان نیست، دامن بلند چین دار و رنگارنگ او همیشه مرا به خود جذب می کرد و خیلی دوست داشتم بدانم از کدام شهر ایران است، تا این که از خودش شنیدم اهل شیراز است. به دلیل تعصب خانواده ها تعداد دانش آموزان دختر از پسرها کمتر بود، در آن زمان صفا و سادگی خاصی میان دانش آموزان موج می زد و چشم و هم چشمی کمرنگ بود، خیلی ها امکان خرید روپوش مدرسه نداشتند و با لباس های خانه به مدرسه می آمدند. در حالی که صدایش پر از شوق کودکانه می شود اظهار می کند: زیباترین خاطره ای که در ذهن دارم از روز اول مدرسه است که به عنوان کلاس اولی و تنها دختر خانواده توانستم به این آرزو دست یابم و با دنیای جدیدی آشنا شوم. خوشحالم که به دلیل سواد من و همسرم فرزندان تحصیل کرده و موفقی دارم و هر یک را در شغلی می بینم که آرزویش را داشتم.

عکس تزیینی است

خاطره بازی کلاس اولی های ۴ دهه قبل

فاصله زیاد مدارس و شوق حضور در کلاس

«رشید عسکری»، ۴۹ ساله که گیسوان سفیدش نشان از سال ها تجربه می دهد و بازنشسته آموزش و پرورش است نیز با اشاره به خاطرات روزهای اول مدرسه می گوید: آن زمان مدارس فاصله زیادی از هم داشت و به دلیل این که مثل زمان کنونی در همه خانواده ها از خودرو خبری نبود، صبح ها بعد از نماز، آماده رفتن به مدرسه می شدیم و بعد از یک ساعت پیاده روی می توانستیم در کلاس حاضر شویم. با این وجود از شوقمان برای تحصیل کم نمی شد و خانواده ام نیز علاقه زیادی داشتند که فرزندانشان درس بخوانند و جایگاه خوبی در جامعه داشته باشند. هر چند میزان تحصیلات پدر و مادرم کم بود اما می توانم بگویم در شرایط آن روزها جزو با سوادها بودند و به درس خواندن اهمیت می دادند. این موضوع به من و خواهر و برادرم انگیزه بیشتری برای درس خواندن می داد. آن ها هر سختی را به جان می خریدند تا بتوانیم درس بخوانیم در حالی که شرایط مالی مناسبی نداشتیم و مانند بسیاری از هم کلاسی هایمان نمی توانستیم لباس مناسب مدرسه و کیف داشته باشیم، کتاب هایمان را در دست می گرفتیم یا در کیسه کوچکی که مادرمان آماده کرده بود حمل می کردیم و همیشه در درس هایمان موفق بودیم. وی ادامه می دهد: برادرم مهندس، خواهرم پزشک و من هم معلم بازنشسته هستم. آن زمان امکانات مدارس خیلی کم بود، معلم ها تلاششان را می کردند که دانش آموزان تحصیل کرده و خوبی تحویل جامعه دهند و بچه ها هم با دل و جان درس می خواندند. روز اول مدرسه برایم عجیب بود، دیدن پسرهای همسایه که با نظم و پوشش مرتبی در کنار هم نشسته بودند بسیار جالب بود، درست همان هایی که تا روز قبل در بازی های کودکانه شان به سر و صورت هم می زدند در مدرسه دوستان خوبی برای هم شده بودند. به گفته وی، به برکت پیروزی انقلاب اسلامی، مدارس زیاد و با امکانات خوبی در شهرها و روستاها با فاصله کم ساخته شده است، اما احساس می کنم دیگر بسیاری از دانش آموزان مانند قبل، برای درس خواندن وقت نمی گذارند و در کلاس درس آن گونه که باید تمرکز نمی کنند، حتی برخی معلم ها هم حوصله کمتری برای درس دادن دارند.

از اشک های اولین روز مدرسه تا دوختن حاشیه کتاب ها

یکی از کلاس اولی های ۴۴ سال قبل هم می گوید: شهر نشین بودیم و خوشبختانه مدرسه نزدیک خانه مان بود، اما به دلیل کمبود مدرسه و علاقه اغلب خانواده ها برای با سواد شدن فرزندانشان کلاس ها شلوغ بود، روز اول مدرسه وقتی وارد کلاس شدم و آن جمعیت را دیدم مرتب اشک می ریختم، شرایط عجیبی بود. البته من تنها کسی نبودم که در آن جمع اشک هایم بر گونه ها جاری و چشمانم قرمز بود، خیلی ها در آغوش مادرهایشان و برخی در گوشه کلاس گریه می کردند و علاقه ای برای ماندن در کلاس نداشتند، اما معلم کلاس اول و پرتلاشمان با صبر و حوصله اش همه را جذب درس و مدرسه کرد. «مریم حیدری» ادامه می دهد: آن زمان برخی معلم ها بومی و خیلی ها غیر بومی بودند، خانم و آقا به تدریس دانش آموزان مشغول بودند و سعی داشتند از نظر کیفی دانش آموزان خوبی را تربیت کنند، زنگ های قرآن، خوش نویسی، نقاشی و انشا حال و هوای خاصی داشت و پر اهمیت بود، اما آن چه در این میان به آن اهمیت کمتری داده می شد زنگ ورزش بود که به دلیل کوچک بودن فضای مدرسه به گرم کردن دانش آموزان خلاصه می شد و آموزش های خاصی را فرا نمی گرفتیم. زنگ تفریح هم خوراکی رایگان میان دانش آموزان توزیع می شد. وی می افزاید: قشنگ ترین خاطراتم مربوط به روزهای اول مدرسه است که جای هر دانش آموز بر اساس قدش مشخص می شد و از آن جایی که کوتاه قد بودم همیشه روی نیمکت جلو می نشستم. جلد کردن دفتر و کتاب را خیلی دوست داشتم، روزهایی که در کنار مادرم در حیاط بزرگ خانه مان به جلد کردن کتاب ها می پرداختیم و برای این که کتاب ها خراب نشود مامانم با سوزن بزرگی کتاب ها را می دوخت اما این روزها منگنه جای آن را گرفته است. چه زیبا بود روزهایی که دانش آموزان با شور و هیجان خاصی وارد مدرسه می شدند و از همه زیباتر روز اول کلاس اول...

یکی از کلاس اولی های ۴۰ سال قبل: خواهرهای بزرگ ترم که ۲ نفرشان ازدواج کرده بودند از شرایطشان رضایت نداشتند و همیشه مرا تشویق به درس خواندن می کردند و اصرار داشتند اشتباه آن ها را تکرار نکنم تا بتوانم با داشتن سواد برای زندگی آینده ام بهتر تصمیم بگیرم، برادر بزرگ ترم که البته تنها پسر خانواده بود برای درس خواندن بسیار مصمم و مشوق اصلی ام در این راه بود

نکاتی برای روز اول مدرسه

گروه فرهنگ

در این مطلب به نکاتی که والدین برای روز اول مدرسه باید به کودکان خود آموزش دهند اشاره می شود.

حضور به موقع در کلاس: به فرزندانتان بگویید که مدرسه از چه ساعتی شروع می شود و اهمیت احترام گذاشتن به این زمان را برای آن ها توضیح دهید.

احترام به معلم: اگر فرزندتان هنوز یاد نگرفته است که چگونه بزرگ ترها را خطاب قرار دهد، به او توضیح دهید که معلمش را باید خانم یا آقا به همراه نام خانوادگی معلم خطاب کند. برای تقویت این عادت می توانید خودتان هم معلم فرزندتان را همین طور خطاب کنید.

نظافت: اهمیت پاکیزه بودن و درست لباس پوشیدن را برای فرزندتان توضیح دهید که شامل حمام کردن، شستن دست ها پس از خوردن غذا و مسواک زدن هم می شود. داشتن لباس نو برای روز اول مدرسه الزامی نیست، اما باید از پوشیدن لباس کثیف و چروک اجتناب کرد.

آماده کردن کوله پشتی: دقت کنید که فرزندتان قبل از رفتن به مدرسه، وسایل مورد نیاز را در کوله اش گذاشته باشد. درباره چیزهایی که نباید به مدرسه برده شود از قوانین مدرسه پیروی کنید.

احترام به بچه های دیگر: احترام به هم مدرسه ای ها برای داشتن تجربه ای مثبت از دوران مدرسه ضروری است. کودکان می دانند نباید چیزهایی مانند تکالیف، میان وعده و خوراکی دیگر بچه ها را بردارند.

آداب بازی کردن: دوستانه بازی کردن با دیگران برای داشتن تجربه ای مثبت از دوران مدرسه ضروری است. اهمیت رعایت نوبت، استفاده مشترک از وسایل، رعایت نکات ایمنی در هنگام بازی و دعوت از دیگران برای بازی کردن را برای آن ها توضیح دهید. بچه ها برای تخلیه انرژی به دویدن و جست و خیز نیاز دارند، اما باید بدانند که هل دادن، تنه زدن و به هم زدن صف کار صحیحی نیست. اگر کودک فعال است و در برخورد با دیگران اعتماد به نفس کافی دارد، به او بگویید که حواسش به کودکان خجالتی هم باشد.

رفتار در کلاس: کودک شما باید دریابد که معلم در کلاس صاحب اختیار است و دانش آموزان باید به او احترام بگذارند. برای فرزندتان توضیح دهید که مدرسه و کلاس درس قوانین خاصی دارد. با معلم صحبت کنید و از او بخواهید قوانین را برایتان بازگو کند تا بتوانید آن را در خانه با کودکانتان مرور کنید.

پذیرش تفاوت ها: به کودکتان بیاموزید که تفاوت های زیادی مانند نژاد، مذهب، انواع شرایط زندگی و میان دانش آموزان یک کلاس وجود دارد. حتی ممکن است یکی از همکلاسی هایشان دچار معلولیت جسمی باشد. بچه ها باید بتوانند این تفاوت ها را بپذیرند.

پاسخ صحیح هر سرگرمی، یک شانس قرعه کشی
قرعه کشی و اسامی برندگان، شنبه هر هفته

لذت سرگرمی + جوایز نقدی و غیرنقدی هفتگی

خط اختصاصی پاسخ ها و نظرات: ۳۰۰۰۷۲۲۵۲
اطلاعات بیشتر در وب سایت 1sargarmi.ir

هر ۳ ثانیه، یک نفر در جهان آلزایمر می گیرد!

فراموشی

را با «سرگرمی منطقی» فراموش کنید!

● محمدمهدی رنجبر

دیروز روز جهانی «آلزایمر» بود، همان بیماری ترسناکی که افراد بالای ۴۰ سال را نگران کرده است و بسیاری از ما، بارها به چاره ای برای درگیر نشدن با آن فکر کرده ایم.

متاسفانه آلزایمر، از بیماری هایی است که بار بسیار سنگین اقتصادی، اجتماعی و روانی برای خانواده ها دارد و هر ۳ ثانیه یک نفر را در جهان درگیر می کند!

مبارزه با آلزایمر و پیشگیری از وقوع آن، راه های متفاوتی دارد که یکی از بهترین و ساده ترین آن ها این است که پردازش مغز، سرعت بیشتری بگیرد. کارشناسان به این منظور توصیه می کنند به طور روزمره به سرگرمی های منطقی مثل «سودوکو» و انواع دیگری که ذهن را به چالش می کشد بپردازید. اگر چرخ دنده های زنگ زده ذهن را با ابزارهای مناسبی مثل «سرگرمی های منطقی» روغن کاری کنید، به مرور می توانید «فراموشی» را مهار کنید و از اوقات فراغت تان لذت ببرید.

امروز آغاز هفته چهارم مسابقات منطقی روزنامه خراسان است. تلاش داریم لذت سرگرمی سالم را به شما بچشانیم و جایزه ای هم به رسم یادبود تقدیم تان کنیم.

برنده های مسابقات روزهای شنبه تا پنج شنبه گذشته:

آقای ابوالفضل حسین پور از بردسکن به شماره همراه ۰۹۳۶۹...۴۵۳ برنده ۵۰ هزار تومان وجه نقد و خانم مرضیه افضلی از مشهد به شماره همراه ۰۹۳۶۷...۵۱۸ برنده اشتراک دوماهه روزنامه خراسان شدند که ایشان نخواستند عکس شان را منتشر کنیم. کل پیامک های دریافتی در وب سایت 1sargarmi.ir قابل مشاهده است.

موفق و پیروز باشید و حرفه ای

پاسخ مسابقه های قبل

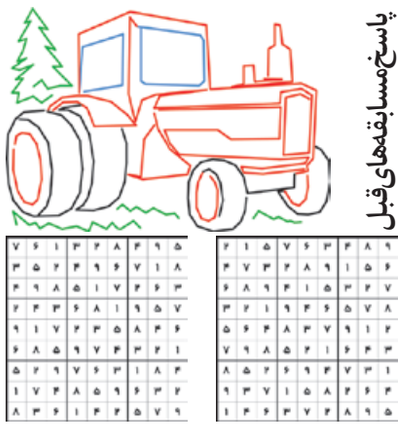

نقش یابِ قرینه

شنبه ها

برای ارسال پاسخ و شرکت در مسابقه، دو تا از اجزای تصویر این معما را در متن پیامک تان نام ببرید.

«نقش یاب قرینه» یکی از سرگرمی های منطقی معروف جهان است. در هر «نقش یاب قرینه»، تصویری پنهان است. باید دور هر خال رنگی، یک شکل متقارن کشید و درونش را با همان رنگ پُر کرد تا تصویر پنهان شده کشف شود.

قوانین:

۱ باید دور هر خال رنگی یک شکل متقارن بکشیم. این شکل، در حقیقت یک «خطِ شکسته ی بسته» است که هر نقطه از آن نسبت به خال رنگی مرکزش، قرینه است.

یعنی اگر با خطی فرضی، هر نقطه از شکل را به خال مرکزش وصل کنیم و خط را به همان مقدار ادامه دهیم، به نقطه قرینه اش در آن سوی شکل برسیم. یا اگر شکل را ۱۸۰ درجه دور خال مرکزش بچرخانیم، تغییر نکند.

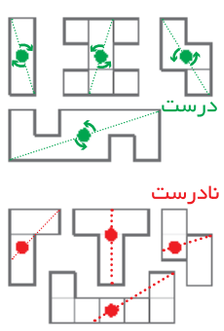

۲ تمام خطی که برای رسم شکل کشیده می شود، باید روی خطوط شطرنجی کم رنگِ زمینه باشد.

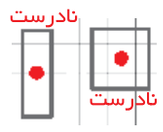

۳ وقتی شکل ها، جدول را کامل کردند، محدوده هر خال را با رنگش پُر می کنیم. فقط خانه هایی سفید می مانند که در شکل متقارنی باشند که مرکزش دایره سفید دارد.

برای درک قوانین، به این نمونه کوچک حل شده دقت کنید:

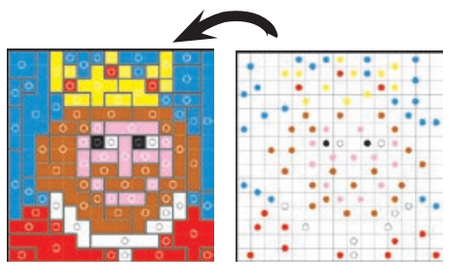

پیشنهاد می شود که:

۱ در آغاز حل هر معما، تکه خط هایی را بکشید که مطمئن هستید باید بین دو خال باشند تا دیواره ای بین آن ها تشکیل دهند.

۲ هر تکه خطی که از هر شکلی مشخص شد، فورا قرینه اش را هم در همان شکل بکشید. همین خطوط کوتاه، به مرور باعث کامل شدن شکل ها خواهد شد.

۳ چون چهار ضلع مشکی اصلی، روی خطوط شکل های متقارن حاشیه هستند، پس هر کجا لازم بود، قرینه آن ها را نسبت به هر خال بکشید.

۴ گاهی که خطی از شکلی را نمی توان کشید، برخی خانه های خاص (?) را انتخاب و بررسی کنید که: «این خانه می تواند در محدوده کدام خال باشد؟» تمام خال ها را بررسی کنید. وقتی مطمئن شُدید که فقط یکی از آن ها می تواند مربوط به این خانه باشد، تکه خط جدیدی را که برای این خانه یا قرینه اش مُجاز است، بکشید.

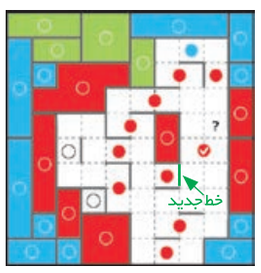

۵ همیشه خط ها را «یک و احد یک و احد» بکشید و برای هر واحد، دلیل تان را با خودتان مرور کنید. حدس زدن، باعث می شود با یک اشتباه به اشتباهات بعدی بیفتید.

۶ برای حل این سرگرمی از مداد نرم و پاک کن مرغوب استفاده کنید.

سودوکو

هر روز

قانون: ارقام ۱ تا ۹ را در خانه های خالی بنویسید طوری که در هر سطر، در هر ستون و در هر مربع ۳ در ۳ هیچ رقمی تکراری نباشد.

برای ارسال پاسخ و شرکت در مسابقه، تمام ارقام سطرهای یک سودوکوی حل شده را به ترتیب از خانه بالا-چپ تا خانه پایین-راست به صورت یک عدد ۸۱ رقمی (بدون فاصله، اینتر یا کاراکتر دیگری) پیامک کنید.

حرفه ای ها مدعیان سودوکو درجه دشواری هر سودوکو+ زمان حل شان را پیامک کنند. مثال: متوسط ۰۰:۱۲:۲۰